



گفت‌وگویی صبا با عوامل فیلم آسمان غرب

# آسمانی که به مدد قهرمانان ملی

در تاریخ سینمای ایران فیلم‌های مهمی در ژانر جنگ ساخته شده‌اند که برخی از آنها در قیاس با دیگر آثار در این زمینه، فارغ از جذابیت‌های

آزاده صالحی  
گفت و گو

بصری و تصویری که شاخصه اصلی یک اثر سینمایی است، به دلیل پردازش به موضوع خاص و داشتن تم زندگینامه محور، بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. «آسمان غرب» نیز یکی از این فیلم‌هاست که محمد عسگری نویسنده‌ی و کارگردانی آن را به عهده دارد و تهیه‌کننده آن حبیب‌الله والی‌نژاد است. این فیلم که در جشنواره فیلم فجر سال گذشته رونمایی شد، به روزهای آغازین جنگ و زوایایی از حماسه آفرینی شهید شیرودی در جنگ ایران و عراق اختصاص دارد. میلاد کی‌مرام در نقش شهید شیرودی و امیر حسین آرمان، آرمن رحیمیان، تورج الوند، کیوان آزاد، کریم امینی و... از بازیگران این فیلم هستند. خبرنگار صبا با محمد عسگری نویسنده و کارگردان و کریم امینی بازیگر این فیلم به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه می‌خوانید.

## محمد عسگری نویسنده و کارگردان فیلم آسمان غرب: مسئولین سینما باید بدانند که همه چیز پول نیست

«آسمان غرب» در حالی اکران شد که فضای اکران سینما، طی سال‌های اخیر بیشتر در قبضه فیلم‌های کم‌دی قرار گرفته و دیگر ژانرهای سینمایی مانند سینمای اجتماعی، جنگ و... عملاً مغفول واقع شده‌اند، دیدگاه شما نسبت به این مسئله چیست؟

من هیچ گاردی نسبت به ژانر کم‌دی ندارم که بخواهم بگویم این فیلم‌ها در سینما نباشد. همان‌طور که در کشورهای دیگر تمام ژانرها در سینما در کنار هم قرار دارند و هر کدام هم مخاطب خاص خودش را دارد. منتهی امروز غلبه ژانر کم‌دی به سینمای ما آسیب زده است. شاید یک دلیل آن این باشد که اغلب این آثار از بارمحتوایی و مفید به تماشاگر تهی هستند و صرفاً برای سرگرمی ساخته شده‌اند. در حالی که این وظیفه مجموعه مدیریت فرهنگی کشور از صنف سینما داران گرفته تا سازمان سینمایی و دیگر نهادهای مرتبط است که به ریشه‌یابی این مسئله بپردازند. جای ریل‌گذاری در این مسیر خالی است و به همین دلیل است که اغلب مخاطبان در شرایط فعلی به سمت سینمای کم‌دی رفته‌اند. البته ناگفته نماند که شرایط نامطلوب اقتصادی هم در سال‌های اخیر باعث شده تا مردم به این سمت‌وسو گرایش یابند. ولی مسئولین فعلی سینما باید به این نکته برسند که همه چیز پول نیست و در کنار توجه به فیلم‌های عمدتاً پر فروش کم‌دی، ضرورت دارد که زیرساخت و سوبسدهای حمایتی نسبت به دیگر ژانرها مثل اجتماعی و دفاع مقدس هم فراهم شود تا فیلم‌هایی که در این ژانرها ساخته می‌شوند دیده شوند. اما متأسفانه این مسئله تا امروز انجام نشده است و ادامه این نوع تربیت، مخاطب ژانرهای دیگر سینما را از بین خواهد برد.

البته تجربه ثابت کرده است که مخاطبان سینما با فیلم‌های قهرمان محور ارتباط بهتری برقرار می‌کنند و فیلم شما هم از این قاعده مستثنی نیست.

درست است! فیلم‌های قهرمان محور بیشتر در سینما موفق بوده‌اند. کم‌این که در «آسمان غرب» هم این مولفه به خوبی رعایت شده است. ما در فیلم شخصیت «شهید شیرودی» را داریم که یک روستازاده کشاورز بوده اما با وقوع جنگ و رشادات‌هایی که انجام می‌دهد تبدیل به یک قهرمان ملی می‌شود، قهرمانی که هم نامش در ردیف افتخار آفرینان ثبت می‌شود و هم مردم با تماشای زوایایی از زندگی او بر پرده سینما، از این قصه لذت می‌برند.

برای نسل امروز که چیزی از جنگ نمی‌داند و دانسته‌هایش فقط به خاطرات والدینش محدود شده است، ساخت این فیلم چقدر می‌تواند باعث شود تا او به شناخت و کندوکاو بیشتری درباره دیگر قهرمانان ملی بپردازد؟

در سینمای جهان فیلم‌های جنگی موفقی که مربوط به دو دهه اخیر بوده باشند کم نداشته‌ایم. نمونه آن فیلم‌هایی چون «خشم»، «در جبهه غرب خبری نیست»، «نجات سرباز رایان» و... هستند که بسیار مورد توجه قرار گرفته‌اند. ژانر جنگ نه تنها در ایران که در همه جای دنیا یکی از مهم‌ترین گونه‌های سینمایی به شمار می‌رود که همه نسل‌ها را در برمی‌گیرد. اما در کشور ما این قضیه کمی فرق دارد. از آنجایی که ما ۸ سال گرفتار جنگ بودیم، بعد از پایان جنگ در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ با حجم بالایی از آثار جنگی، با کیفیت پایین و کلیشه‌ای مواجه شدیم که انبوه این فیلم‌ها مخاطبان را از این ژانر دلزده کرد. و گرنه در کشورهایی که جنگ را تجربه نکرده‌اند این ژانر

که همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردیم جای ریل‌گذاری درست و زیرساخت‌های فرهنگی برای نمایش آثاری از این دست هم چنان خالی است. متأسفانه سینمای ما امروز به سمت مادی‌گرایی رفته است. البته اگر با مسئولین سینمایی صحبت کنید و درباره شرایط امروز سینما از آنها بپرسید با ارائه آمار و ارقام، این روند را رضایت‌بخش قلمداد می‌کنند در حالی که فقط بلیت را می‌بینند و فرهنگسازی به انزوا رفته است.

گاهی با کارگردانی مواجه می‌شوم که به این نکته اشاره دارند و وقتی یک فیلم اجتماعی می‌سازند، سینما دار به آنها می‌گوید اگر کم‌دی بسازند با موفقیت بیشتری روبه‌رو می‌شوند و این نگاه را یک آسیب جدی برای سینمای امروز می‌دانند.

آنچه اشاره می‌کنید معضلی است که امروز بخش خصوصی سینما با آن دست به گریبان است و قطعاً به مراتب کار بخش خصوصی برای ساخت فیلم‌های جدی دشوارتر است. اما جای تأسف است که امروز همه به دنبال منافع مادی یک اثر سینمایی هستند. می‌توانم بگویم در حال حاضر همه چیز در سینما از خروجی پول می‌گذرد و با وجود آن که مدیران فرهنگی، بخشی از سوبسید را در اختیار دارند ولی گویی این سوبسید عملاً نباید صرف آثار فاخر شود.

چرا از بین شخصیت‌های مختلف جنگ، زندگی شهید شیرودی را دست‌ما به ساخت فیلم کردید؟

این مسئله چند دلیل داشت. یکی این که کارگردانی بین زمین و آسمان صرف‌نظر از سختی‌هایی که دارد جذاب است و من این وجه فنی کار را دوست داشتم. دلیل دیگرش، جنبه‌های میهن‌پرستی و توجه به مفاهیمی چون ناموس، وطن، خاک، غیرت و... بوده که ساخت چنین اثری را برایم جذاب کرده است. ویژگی‌هایی که در خیلی از ما به فراموشی سپرده شده است. از طرفی، پرداختن به غیرت و ناموس همیشه با تشویق و تکریم جامعه توأم بوده است. همان‌طور که بارها در اخبار دیده و شنیده‌ایم که فردی مزاحم نوامیس مردم شده و فرد دیگری که با این آدم مقابله می‌کند و جان‌ش را از دست می‌دهد، از سوی جامعه مورد تکریم واقع شده است و همه از او به‌عنوان یک فرد غیرت‌مند یاد می‌کنند. بنابراین، اخلاق بالاترین ویژگی یک انسان

هنوز مورد توجه است. در کشورهای هند، ترکیه، چین، ژاپن و آمریکا بر خورد مخاطبان با سینمای جنگ را دیده و به این نتیجه رسیده‌ام که فیلم‌های اکشن و جنگی جزء بهترین فیلم‌هایی است که مخاطب به آن علاقه دارد. ولی همان‌طور که گفتم در کشور ما، چون این ژانر با حجم آثار غالباً کم کیفیت ساخته شده امروز با مشکل جذب مخاطب مواجه شده است. به بیان ساده‌تر، پیشینه تاریخی ما در این زمینه به این ژانر لطمه زده است. آنچه مسلم است این که یک اثر هنری در هر ظرف و قالبی که ارائه شود باید متناسب و بر گرفته از زبان و شرایط روز جامعه باشد. البته این مسئله هم شرایط خاص خودش را دارد و فیلمساز باید تاوان و بهای این مسئله را بپردازد. تاوانش هم این است که تلاش کند تا فیلمی متفاوت با آنچه تا امروز در این ژانر ساخته شده بسازد که در این مسیر با چالش‌های زیادی مواجه می‌شود. وجود این چالش‌ها باعث می‌شود تا بین نسل جوان و این ژانر فاصله بیفتد. نکته دیگر این که نسل امروز به دلیل پیشرفت تکنولوژی و فضای مجازی، نمی‌تواند بعضی از چیزهایی که در برخی فیلم‌ها گنجانده می‌شود را بپذیرد. به‌عنوان مثال، هنوز فیلم‌هایی ساخته می‌شود که رزمنده وقتی می‌خواهد با همسر خودش صحبت کند سرش را پایین می‌اندازد! باید در سینما به زبان روز و ملموس حرف زد. طبعاً اگر چنین مولفه‌هایی در فرم و محتوا اتفاق بیفتد یک فیلم می‌تواند آینه تمام‌نمای جامعه خود باشد و مخاطبان جوان را متوجه خودش سازد.

نسل جوان از نظر شما چقدر توانسته‌اند با «آسمان غرب» ارتباط برقرار کنند؟

بر اساس مشاهدات و آمارهایی که داشته‌ام خوشبختانه فیلم توانسته با اقبال مختلف جامعه؛ به‌خصوص جوانان و نوجوانان ارتباط برقرار کند. هر چند معتقدم، دست‌اندر کاران فرهنگی می‌توانند حمایت و توجه بیشتری نسبت به این فیلم داشته باشند. در واقع، زمانی مخاطب این فیلم افزایش می‌یابد که نهادهایی چون شهرداری، حوزه هنری و وزارت فرهنگ سانس‌های مناسبی را به آن اختصاص دهند و فیلم بتواند از تبلیغات مناسبی برخوردار شود.

از اکران فیلم رضایت دارید؟

مسلمان! در نظر گرفتن سانس‌های صبح برای این فیلم چطور می‌تواند انتظار من را به عنوان فیلمساز برآورده کند؟ ضمن این